



ادله مخالفان در حجیت خبر واحد قابل پاسخ دادن است/ خبر واحد قابلیت قرار گرفتن در منظومه ادله را دارد

حجت الاسلام والمسلمین عبدالله محمدی در نودمین جلسه گروه علمی کلام مجمع عالی حکمت اسلامی...

حجت الاسلام والمسلمین عبدالله محمدی در نودمین جلسه گروه علمی کلام مجمع عالی حکمت اسلامی با موضوع "بررسی حجیت ادله ظنی" با بیان اینکه ادله مخالفان در حجیت خبر واحد با بررسی و تحلیل هایی که ارائه شد، قابل پاسخ دادن است، گفت: براساس مبانی که مطرح شد خبر واحد در عرصه های اعتقادی و علوم مختلف قابلیت قرار گرفتن در منظومه ادله را دارد. به گزارش خبرگزاری مهر، نودمین جلسه گروه علمی کلام مجمع عالی حکمت اسلامی با موضوع "بررسی حجیت ادله ظنی" با ارائه حجت الاسلام والمسلمین عبدالله محمدی برگزار شد. خلاصه مباحث این جلسه به شرح ذیل است:

مقدمات بحث:

1- تفاوت دیگر آن است که در یک رویکرد ما به دنبال اعتقاد واقعی هستیم و حدود و ثغور اعتقادات با شارع است ولی در رویکرد دیگر که در مقام توصیف واقع هستیم مبانی معرفت شناختی تعیین کننده است. انسان به لحاظ ایمانی اختیار دارد که علقه به تصدیق ذهنی حاصل شده داشته باشد یا نداشته باشد. اصولی ها بیشتر به رویکرد اول پرداخته اند.

2- برخی معتقدند خبر واحد، مفید علم متعارف است و این نکته مهم است که خبر بدون قرینه اعم از قرینه برخلاف و قرینه مؤید است. براساس این نظریه لذا خبر واحد را از ادله ناهی ظن، تخصصاً خارج می دانند زیرا این اخبار واحد هم علم عرفی ایجاد می کنند. مبانی دوم (کفایت علم عرفی) مورد قبول است.

پس از بیان مقدمات باید به اصل مطلب وارد شویم:

براساس یک استدلال اصولی: خبر واحد را علم آور نمی دانند که مشهور هم همین را می گویند ولی براساس مبانی ما خبر واحد، علم عرفی ایجاد می کند. از سوی دیگر مقدمات استدلال اصولیون آن است که در اعتقادات ما یقین لازم داریم که اینهم مورد مناقشه است، زیرا تنها معرفت لازم در اعتقادات، یقین نیست.

براساس مبانی خبر واحد از ظنون است و ظن بدون جعل شارع معتبر نیست و حجیت شارع به امری تعلق می گیرد که اثر شرعی داشته باشد و از سوی دیگر مسائل اعتقادی، اثر عملی ندارد، لذا جعل حجیت توسط شارع در اینجا لغو محسوب می شود؛ در نتیجه گفته اند حجیتی توسط شارع در اعتقادات برای ادله ظنی، جعل نشده است.

در بحث حجیت خبر واحد 3 دلیل است: انسداد، بنای عقلانی، تعبد شرعی (متون)

اگر دلیل حجیت خبر واحد را بنای عقلا بدانیم چنانکه اصولیون این را پذیرفته اند (از آنجا که در بنای عقلا اثر شرعی لازم نیست و تفاوتی بین فقه و غیر فقه گذاشته نمی شود. بنای عقلا بگونه ای است که شامل همه این موارد می شود. لذا باز هم نیاز به اثر شرعی وجود ندارد زیرا ما از راه ادله و متون تعبدی وارد نشده ایم و فقط بنای عقلا مطرح است و عقلای عالم تفاوتی در امور روزمره یا امور شرعی در این بین نمی گذارند.

یکی از اساتید این اشکال را وارد کرد که عقلاء هم بین امور مهم و با اولویت و دیگر امور تفاوت قائل می شوند. آقای محمدی جواب دادند که عقلاء به جهت اهمیت خبر، حدود و شرایط ویژه ای برای پذیرش خبر مطرح می کنند نه آنکه در اصل حجیت خبر واحد تفاوت قائل شوند.

نکته دیگر آنکه برخی گفته اند چه کسی گفته است اعتقادات اثر شرعی ندارد؟ چون اعتقادات هم یک عمل جوانحی است و مثل عمل جوارحی با اختیار همراه است و می تواند اثر شرعی داشته باشد. مرحوم میرزای قمی این مطلب را بیان می کند که اعتقادات، عمل جوانحی است.

تقریر دیگر اشکال بر اثر شرعی نداشتن آحاد این است که در امور تکوینی نمی شود، تعبد قائل شد و اعتقادات هم راجع به امور تکوینی بحث می شود و اعتقادات از سنخ تکالیف شرعی (تعبدی) نیستند و برای امور تکوینی نمی شود جعل حجیت کرد. مرحوم علامه در بین معاصرین با اعتبار آحاد در تفسیر و اعتقادات مخالفت می کنند و در برخی موارد تصریح به عدم اعتبار خبر واحد در تفسیر و اعتقادات می کنند. به عنوان نمونه در روایت مربوط به برداشتن خاک پای جبرائیل توسط سامری، همین مطلب را ارائه می کند که اینجا نمی شود جعل حجیت کرد. این مبانی علامه طباطبائی است که متفاوت با مبانی مشهور است.

اما حتی اگر کسی بر مبانی مشهور مشی کند، که تعبد و عدم تعبد بر این اساس است که دلیل حجیت را نصوص بدانیم. خود عقلا هم به احتمال خلاف ناچیز اعتماد نمی کنند و در اینجا هم بین امور فقهی و غیر فقهی تفاوتی توسط عقلاء گذاشته نمی شود. در بیان دیگر چنین گفته می شود که هدف ما در بحث اعتقادات، کشف واقع است و واقع با تعبد حاصل نمی شود و در اعمال اختیاری (مثل معتقد شدن)، تابع مقدماتی است اما برای تصدیق علمی، اختیاری نداریم و تصدیق تابع مقدمات خود است (البته غربی ها معمولاً تصدیق را تابع مقدمات و نتیجه لازم آن نمی دانند) از سوی دیگر دلیل اعتبار خبر واحد در اینجا تعبد است و در علم به واقع با تعبد نمی شود حرکت کرد. استاد مصباح و استاد جوادی آملی از این بیان استفاده می کنند.

نکته دیگر آنکه وقتی خبری را معتبر می دانیم در حوزه های مختلف، متفاوت است؛ مثلاً فرض شود خبری در مورد قوانین نیوتن

رسیده باشد که آنها را معتبر بداند، اینجا حجیت به معنای معتبر بودن است ولی معنای منجریت و مصدریتی که در فقه مطرح می شود نیست. پس معنای معتبر شدن این روایات این می شود که اینها در مقدمات استدلالها واقع می شود و براساس آن ترتیب اثر می دهیم نه آنکه خود را بخواهیم برخلاف آنچه معتقدیم وادار کنیم. مطلب بعد آنکه خبر واحد از امارات است و اینها طریق به واقع هستند و اینها کاشفیتی نسبت به واقع ایجاد می کند و تنها طریق به واقع است نه آنکه اصل عملی در مقام تکلیف ایجاد کند.

پس حجیت خبر واحد در این بخش آن است که ما می توانیم به آن استناد کنیم نه آنکه برخلاف اعتقاد خود متعبد شویم. نکته بعد آنکه هر آنچه در مورد خبر واحد گفته می شود در مورد ظهور هم باید گفته شود، یعنی اگر مطالبی از معصوم شنیدیم که ظهوراتی در مورد طب و علوم دیگر بود نباید آن را براساس مبنای عدم اعتبار ادله ظنی، حجت دانست در حال که ما معتقدیم ظهور است در این موارد همان حکم خود خبری را دارد. نکته بعد که علامه می آورند که آنقدر در موضوعات غیر فقهی روایات جعلی داریم که نمی شود به آن استناد کرد ولی اشکال وارد می شود که ایشان باید اثبات کند که این جعلیات باید اثبات شود. بحث بعد آن است که گفته اند سیره عقلا به امور رفتاری اختصاص دارد و در اعتقادات معتبر نیست، مثلاً خبر عده ای افراد در مورد مسائل ریاضی و ... معتبر نیست. آقای محمدی بیان می کند که عقلا تفاوتی قائل نمی شوند هم در فقه و هم در علوم دیگر به خبر واحد عمل می کنند و محل بحث ما جایی است که ما می خواهیم آنها را مبنای استدلال قرار دهیم. پس حوزه کار ما در اینجا منحصر به رفتار نیست. اشکال دیگر که کرده اند عقلا در امور مهم (مثل جهاد، قحطی و ...) به خبر یک بچه و ... ترتیب اثر نمی دهند.

در پاسخ باید گفت که عقلا از باب اینکه احتمال خلاف نمی دهند و تأثیر نفسانی بر آن ها دارند، اعتبار را قائل می شوند و دقت آنها در اخبار مهم، دلیل بر بی اعتنایی آنها در اخبار جزئی نمی شود و تأثیر نفسانی در تمام امور (مهم و جزئی) حاصل می شود و مهم بودن امور فقط نشان می دهد که یک روش شناسی و یک شرایط ویژه برای اعتناء به خبرهای مختلف وجود دارد. پس به طور کلی باید روش شناسی استفاده ما از متون در مسائل اعتقادی باید مورد توجه واقع شود، لذا در مسائل اعتقادی، شرایط و مسائلی مثل عمومات عقلی مدنظر قرار می گیرد که در مسائل مورد توجه واقع نمی شود.

برخی اشکال می کنند که فرمایش معصومین در بحث های اعتقادی براساس حال مخاطب است مثل پاسخ های متفاوت امام به این سوال که آیا خداوند بر امر محالی (مثل قرار دادن جهان در تخم مرغ) قدرت دارد یا ندارد؟ اما پاسخ کلی آن «است که وقتی حجیت خبر واحد مطرح شد بحث های تعادل و تراجیح و بررسی تعارض ها و ... مطرح می شود و اینگونه نیست که وقتی خبر واحد حجت شد، کاملاً براساس آن عمل شود و بدون چون و چرا با آن رفتار شود بلکه این خبر تازه وارد مجموعه ادله می شود که مثلاً جهت صدور و حال مخاطب و ... هم در بهره برداری آن مورد لحاظ واقع می شود.

نکته بعد آن است که انبوه روایاتی که در حوزه علوم طبی، روانشناسی و علوم اجتماعی و ... است را چه کار خواهیم کرد آیا همه اینها به دلیل خبر واحد بودن، کنار زده می شوند؟ آیا هم اینها ارشادات عقلی است. در حالی که به نظر می رسد بسیاری از این مسائل را با صرف تعقل و تفکر نمی توان به آن رسید که ارشاد عقلی محسوب شود.

بخش نظرات استادان:

1. نظرات علامه در المیزان درمباحث اعتقادی و تکوینی مطرح است و جمع بین آرای ایشان آن است که بحث اصولی و حجیت خبر واحد، مطرح است و اینجا تعاملات و علوم رفتاری است.
2. نکته بعد آن است که اینکه ما خبر واحد را می توانیم در منظومه ادله قرار دهیم و خود این اول الکلام است که ما بتوانیم آنها را در سلک ادله قرار دهیم تابعه مسائل دیگر (تعادل و تراجیح و ...) لحاظ شود.
3. معانی مختلف حجیت باید استقصاء شود مثلاً حجیت در فقه، حجیت در منطق و ...
4. باید توجه شود که آیا خبر واحد محفوف به قرائن مدنظر است و یا اینگونه نیست؟
5. بنای عقلاء در رابطه خودشان مطرح می شود ولی در مسائل مربوط به خداوند و اعتقادات چگونه بنای عقلا و قواعد عقلایی در این موارد تعمیم داده می شود؟
6. نکته بعد آنکه وقتی ما اعتقادی بر خلاف خبر داشته باشیم چگونه براساس آن عمل کنیم و آن را مبنای استدلال قرار بدهیم؟
7. علامه طباطبایی در اوایل المیزان، علم و یقین منطقی را به شدت مورد تأکید قرار می دهد و نظرشان آن است که قرآن هم نظرش همین علم و یقین است. البته از آیات و روایات متوجه می شویم که چون آن علم واقعی برای عموم در دسترس نیست در برخی موارد آن علوم عرفی مورد استناد قرار می گیرد و این از باب آن است که علم قطعی و یقین در دسترس نیست. پس ما باید علم و یقین صد در صدی و قطعی را مدنظر قرآن بدانیم.
8. اختلاف در عقاید را ما اگر بررسی کنیم در بسیاری از موارد دارای منشأ جعلیات برایش پیدا می شود و همیشه اختلاف برداشتها و مشربها نیست که عامل اختلاف در عقاید باشد. اینکه عقل، مستقلاً بخواهد عقیده ای را بیان کند، محل تأمل است و اعتقادات، ریشه اصول مسلمی دارد ولی اموری هست که ممکن است عقل ما توان دسترسی را ندارد و آنجا نیاز به وحی و نقل مهم است.

پاسخ ها و توضیحات محمدی

1. در مورد اینکه ما خبر واحد را در منظومه ادله قرار دهیم، اول الکلام و قابل تأمل است، باید گفت که وقتی ما خبر واحد را در

موردی مشاهده کردیم و قرینه برخلافش نبود و عموماتی در برابر آن نبود آیا تأثیر نفسانی بر ما نمی گذارد؟ حال اگر تأثیر گذاشت ما اجازه داریم براساس آن مقدمات بحث را چپ‌نش دهیم پس با جواب دادن به اشکالات و دفع موانع، دیگر بحث از ادله و مقدمات استدلال قرار گرفتن آنها، اول الکلام نیست. ما در حوزه های مختلف دین، مراتب مختلف علم را لازم داریم. در برخی حوزه ها از دین، یقین بالمعنی الاخص در دسترس نیست لذا ما مراتب دیگر علم را مورد استفاده قرار می دهیم و نمی توانیم بطور کلی مراتب دیگر علم را که حاصل از اخبار است را رد کنیم.

2. در جایی که هیچ قرینه داخلی و خارجی نباشد و ذهن از حالت عرفی خارج نشده است، تأثیر نفسانی از خبر واحد حاصل می شود. حتی در امور مهم، اعتبار خبر نفی نمی شود بلکه حدود و ثغور خاص قرار داده می شود.

3. هدف ما بنای عقلاء براساس حفظ نظام است و می خواهند تحیر عملی رفع شود، در حالی که بحث واقع هم در بین هست و فقط برای رفع تحیر و ... این بنا گذاشته نمی شود.

4. در المیزان، مواردی هست که علم در آیات قرآن را به معنی علم متعارف دانسته اند.

جمع بندی مباحث آن است که ادله مخالفان در حجیت خبر واحد با بررسی و تحلیلهایی که ارائه شد، قابل پاسخ دادن است و براساس مبانی که مطرح شد خبر واحد در عرصه های اعتقادی و علوم مختلف قابلیت قرار گرفتن در منظومه ادله را دارد و هر چند برای ترتیب اثر دادن و نظر نهایی روش شناسی خاص خود را در این موارد باید طی کرد.